ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خودپندازه فرزندان

محمد بورعبدالی ۱ - پرستین کدیور ۲ - علیرضا همایونی ۳

چکیده
این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و خودپندازه فرزندان در شهر تهران، انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمای شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ و همچنین مادران آنها که دارای حداکثر تحصیلات پنجم ابتدایی و بالاتر بوده‌اند، تشکیل می‌دادند. تعداد ۳۸۸ نفر دانش آموز و مادران آنان به صورت تصادفی جنگ مرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. روش پژوهش از نوع همبستگی است. بررسی‌های اقدار والدین بورای (۲۰ سؤال)، بررسی‌های سیکهای فرزندپروری ادراک شده مکلون و سرول (۱۸ سؤال)، مقایسه مکان کنترل نوویکی و استریکلند (۴۰ سؤال) و آزمون خودپندازه تناسب (۴۲ سؤال) اجرا شد. نتایج نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتрод
۲- عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی تربیتی معلم تهران
۳- کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گز
کنترل و خودپندارهای راهبردی مشاهده شده (2003). اما بین ادراک دایش آموزان از شیوه‌های فرزندپرور مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) با مکان کنترل و خودپندارهای راهبردی مشاهده شده (2003). اما بین ادراک که ادراک فرزندان از شیوه‌های فرزندپرور به عنوان یک عامل مرتبط با قدرت بهتری برای شکل‌گیری مکان کنترل و خودپندارهای فرزند در مقایسه با تغییرات پاسخ می‌تواند باشد.

کلید واژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، افتادار منطقی، استبدادی، آزادگذاری، ادراک فرزندان، مکان کنترل، خودپندارهای

مقدمه

خواناده مهترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تکمیل‌شدن و پرورش آن در فرزندان و سازگاری فرد با جامعه آثار و سیاست‌های تأثیر خواناده بر رشد چان می‌باشد. هر یک از این اثربخشی‌ها با وجود اختلافات موجود بین صاحب‌نظران روان‌شناسی، بسیاری از آن‌ها در زمینه شیوه‌های فرزندپروری و تأثیر آن بر رشد، نظر مشترک‌دارند. اکثر روان‌شناسان سرعت نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های منفی و اعمال و فرزندانشان را اساس رشد عاطفی تلقی نموده‌اند (بPRI، 190؛ نقل از برومندنبش، 173-172). دارلنگو و استینبرگ (1993) نقل از گلاسکو، دورنیو، روترب و همکاران (1997) شیوه‌های فرزندپروری را این گونه تعیین نموده‌اند: شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از کارآیی‌ها، اعمال، جلوه‌های غیرکلاسیکی است که ماهیت تعلیم کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون شخصی می‌کند و در هم‌ потر کلی کنترل درونی بر این باور نمی‌باشد. در این است که فرد، کنترل شخصی بسیاری بر خود و محیط خویش اعمال می‌کند. مکان کنترل بیرونی به این باور

1 – Bowlby & Freud
2 – Darling & Steinberg
3 – Glasgow, Dornbusch, Troyer and et al
4 – Locus of control
ارتباط بین شهرهای فرزندپیو از مادر و فرزندپیوی ... / ۱۰۹

اشکاره دارد که سرنوشت، یک یا سایر افراد اکثریت هر فرد را با عهده دارد (بارون و
یون، ۱۹۹۷). اعتقاد به اکثریت درونی اساساً در خانواده‌های امروزه می‌شود که در آن
والدین، صمیمی و خامی کودکان هستند. سعی در اکثریت مستندنها بر آنها نشانه و
دارای نسبت رفتاری هستند. از سوی دیگر، والدینی که رفتاری معنی‌دار، محدودکننده و
همراه با انتقاد و خصومت را به فرزندانشان اعمال نمایند، فرزندان آنها دارای مکان
کنترل بیرونی می‌شوند (فرمان، ۱۳۷۸). در همین رابطه نتایج تحقیقات مورتون و مانی
(۱۹۹۸)؛ تاریس و بوک (۱۹۸۷)؛ جانسن (۱۹۴۵)؛ دویکس (۲۰۰۲)؛ ورومانو (۲۰۰۰)

ماسبیگلی (۲۰۰۲)؛ مهرافروز (۱۳۷۸)؛ برومندنسپر (۱۳۷۸) نشان می‌دهد والدینی که
انتظارات درونی مشترکی از فرزند خود داشته باشند و فعالیت‌های کودکی را پایدار
دهند، از نظر سطح باسخوگو بودن (گرمی، پذیرش و تعلیم) و در خواست‌کننده (کنترل و
نگرانی) در سطح بالایی باشند و به شیوه انتقاد منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند،
فرزندانشان دارای کنترل درونی می‌شوند، ولی چنانکه والدین رفتاری معنی‌دار
محدودکننده و طرف‌کننده همراه با انتقاد و خصومت را به فرزندانشان اعمال نمایند و از
نظر باسخوگو بودن و درخواست‌کننده در سطح پایین و به شیوه استبدادی و آزادگذار
با فرزندان به رفتار نمایند. فرزندان آنها دارای مکان کنترل بیرونی می‌شوند. از سوی
دیگر، در سالهای اخیر روان‌شناختی به مسائلی که مربوط به تمرکز خودپردازه است و
به کسانی که مسئول پرورش کودک در اوان زندگی هستند، اهمیت زیادی داده‌اند. در
این میان، تجارب اجتماعی درجه اولی اهمیت را دارند و این تجربیات اجتماعی تا اندازه
زیادی منحصر به روابط خانوادگی است. اعضای خانواده در نظر کودک معمولاً
همت‌ترین افراد وسیع‌تر و براساس رابطه با این افراد مهم که بر جست‌ترین آنها مادر است،
کودک پایه‌های خودپردازه را استوار می‌سازد (شاملو، ۱۳۷۴). خودپردازه، سازماندهی
کلی ادراکات فرد نسبت به خود است که جد و جهش سلسسه‌مطلق و نسبتاً ثابت است
(دبمو، ۱۹۹۴). به طور کلی خانواده و سیستم‌های فرزندپیوی والدین به عنوان یک منبع
مهم و اساسی بر رشد خودپردازه کودک در نظر گرفته می‌شود. خانواده مکانی است که

| 1 – Baron & Byrne | 2 – Morton & Mann |
| 3 – Taris & Bok | 4 – Janssens |
| 5 – Dobbines | 6 – Romano |
| 7 – Masiglia | 8 – Dembo |
نخستین احساس از خود از طریق تبادل کشته و ندیم و صمیمی با والدین و دیگر اعضای خانواده شکل می‌گیرد. از این رو، اغلب به نقشه‌های والدین در رشد خودبیانه کودک اهمیت فراوانی داده می‌شود (گکاس و شوالب، 1986). در زمینه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودبیانه مطالعات تجربی متعددی اهتمام داشته و گرم بودن و پذیرش والدین را برای رشد و توانمندی کودک توصیف کرده‌اند. والدین یک مهربان هستند و ارزیابی کنتنی مثبت فرزندان‌اش هستند و حمایت عاطفی خوبی را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. کودکان آنها ارزنی احساس می‌کنند که خودبیانه آنها را تغذیه می‌کند (دکویک و میوز، 2002؛ لامبورن، مونتیس، استینبرگ و همکاران، 1999؛ هرز، 1999). همچنین نتایج تحقیقات کسینجر، دایلی و زیگلر، و کارسیا (2008 و ادامه و رودرگز، 2008) حمایت بیشتری را در مورد این دیدگاه فراهم کرده است. این محققان نشان داده‌اند سبک‌های حمایتی با خودبیانه بالا در جوانان و نوجوانان همراه است. سبک والدینی مبتنی بر ارزیابی مثبت نظر حمایت، مشارکت و عاطفه به کودک خودبیانه کودک را تقویت می‌کند (گکاس و شوالب، 1986؛ برت، 1992؛ دانلوب، برنز و برگینگ، 2001). هرز، 1999؛ دکویک و میوز، 2002؛ جنرالی، خادمیان می‌باشد. با توجه به این نتایج، بررسی موضوعات مطرح در پژوهش‌های پیشین در ارتباط با شیوه‌ای فرزندپوری با مکان کنترل و خودبیانه، پیشرفت مطالعات در سنجش شیوه‌های فرزندپوری، نگرش‌ها و باورهای مادران و موتور بررسی قرار داده‌اند. در حالی که باید بین نگرش به شیوه‌های فرزندپوری و عمل فرزندپوری تفاوت قابل شنید. در همین رابطه به نظر می‌رسد که فرزندپوری آنچه است که مادران در حال انجام دادن آن با فرزند خود هستند، اما نگرش فرزندپوری اعتقاد مادر به این است که چگونه با این فرزند خود را بپرورش دهد و اینکه هر چند که بین نگرش و عمل رابطه نسبی وجود می‌کند:

1 – Gecas & Schwalb
2 – Dekovic & Meeus
3 – Lamborn, Mounts, Steinberg and et al
4 – Herz
5 – Kisseinger, Daniel and Lee
6 – Martinez and Garcia
7 – Berzonsky and Smits
8 – Eden and Rodriguez
9 – Berndt
10 – Dunlop, Burns & Bermigham
ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری...
فرزندپروری والدینی) بر آن و یک قدم مهم در شناسایی و ارتباط این سازمانهای به دست می‌دهد و مرا را به باخی این سؤال نزدیکت می‌سازد که «آیا نگرش مادر بهتر و صحیح‌تر نشان شیوه‌های فرزندپروری را در تأثیرگذاری بر سازمانهای مکان کنترل و خودبدناره تیبینه می‌نماید با ادراک فرزند؟. همچنین یافته‌های این پژوهش این واقعیت را بهتر و اساسی تر تیبین و حمایت خواهد کرد که آیا شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی با مکان کنترل درونی و خودبدناره بالا و شیوه استبدادی و آزادگذار با خودبدناره باین و ضعیف و مکان کنترل بروینی ارتباط دارد. با توجه به هدف‌ها مطرح شده فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

1- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذار) مادر با مکان کنترل فرزند رابطه وجود دارد.

2- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذار) مادر با خودبدناره فرزند رابطه وجود دارد.

3- بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذار) مادر با سه سطح سبک والدینی ادراک شده فرزند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

4- بین مکان کنترل سه سطح سبک‌خیال والدینی (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذار) ادراک شده فرزند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

5- بین خودبدناره سه سطح سبک‌خیال والدینی (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذار) ادراک شده فرزند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

روش

از آنجایی که ماهیت موضوع در پژوهش فعلی، بررسی ارتباط بین متغیرهای نگرش مادر نسبت به شیوه‌های فرزندپروری و ادراک فرزند نوجوان از آن شیوه‌ها با مکان کنترل و خودبدناره فرزند است از روش همبستگی استفاده شد.

جامعه آماری

این پژوهش شامل دو گروه بوده است: گروه اول دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی 81- 80 که مادران آنها دارای حداکثر تحصیلات پنجم ابتدایی و بالاتر بوده‌اند و تعداد آنها ۸۷۹۳۴ بود و گروه دوم شامل مادران این دانش‌آموزان است.
نمونه آماری: مورد نیاز برای انجام پژوهش، با توجه به روشهای مربوط به محاسبه نمونه‌گیری، 428 نفر در نظر گرفته شد. این نکته به دلیل احتمال افت نمونه، 50 نفر در نهایت در نظر گرفته شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. در نمونه‌گیری چند مرحله‌ای افراد جامعه با توجه به سلسله‌مراتبی (از واحدهای بزرگتر به کوچکتر) از انواع واحدهای جامعه انتخاب می‌شوند (سرمایه، بازرگانی، و حجاری). نمونه‌گیری به این ترتیب صورت گرفت که ابتدا به صورت تصادفی 5 منطقه آموزشی از مناطق توزیع‌گان شهر تهران، یعنی مناطق 1، 3، 11، 4، و 11 به ترتیب واقع در شمال، جنوب، غرب و مرکز انتخاب شدند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از میان مدارس راهنمایی پسرانه هر منطقه، 72 مدارس انتخاب شدند، و بالعکس از هر مدرسه به صورت تصادفی 75 نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند. در مجموع 550 نفر از دانش‌آموزان و مادران آنها انتخاب شدند که علت حضور نداشتن تعدادی از مادران در مدرسه و همچنین عدم پاسخگویی دقیق از آنها به سوالات آزمون‌ها در عمل 388 نفر نمونه نهایی پژوهش را تشکیل دادند. لازم به ذکر است که در نهایت برای تعیین کفایت حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد (وقتی تعداد نمونه 120 بیشتر باشد مقدار T را برای Z می‌گیریم) (رُفیع پور، 1360).

\[ N = \frac{t^2pq}{d^2} \left( 1 + \frac{1}{n} \left( \frac{t^2pq}{d^2} \right) \right) \]

\[ = \frac{1.96^2(0.5)(0.5)}{0.0025} \left( 1 + \frac{1}{78694} \left( \frac{1.96^2(0.5)(0.5)}{0.5^2} \right) \right) = 382 \]

نسبت جامعه است. معمولاً در محاسبات \( p = 0.5 \) در نظر می‌گیرند.

سطح احتمال تصادفی (خطای نوع اول) و از بین راهبردهای دستی \( d \) = 0.05

سطح اطمینان 95% = 1 - \( \delta \) \( \chi^2 \)

چنانکه از طریق فرمول بالا مشخص است نمونه‌نها 388 نفر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش مکفی بوده‌اند.

1 - Multi-stage Sampling
ایزات پژوهش
در این پژوهش از چهار ایزات به این شرح استفاده شد:

1- پرسشنامه افتادگی والدین: بورای (1991)، نقل از هال و براکن (1996) این پرسشنامه را برای اندازه‌گیری دیدگاه اولیه افتادگی والدین در سه سطح افتادگی منطقی، استبدادی و آزادگری ساخت. این مقياس شامل 30 سوال است و مقياس نمره‌گذاری در این آزمون مقياس فاصله‌ای و حداقل صفر و حداکثر چهار می‌باشد. از طریق محاسبه روابط افتراقی مقادیر زیر را به دست آورد: شیوه استبدادی مادر با آزادگری (X = 0.3)، و افتادگی منطقی مادر (r = 0.4) رابطه منفی داشت. همچنین شیوه آزادگری مادر رابطه معناداری با شیوه افتادگی منطقی مادر (r = 0.4) نداشت.

2- بورای (1991)، نقل از هال و براکن (1996)، پایایی این پرسشنامه را به روش یازدانی 87/80 برای آزادگری، 87/80 برای افتادگی منطقی و 87/80 برای شیوه استبدادی بدست آورد. این پرسشنامه را استفاده کرد (74) به فارسی برگرداند. به منظور بررسی روابط صوری پرسشنامه، آن را در اختیار 10 صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روانپزشکی قرار داد و نتیجه بررسی وی نشان داد که این پرسشنامه از روابط مناسب برخوردار است. مهرافزور (137) پایایی را به روش آلری کروناخ برای شیوه افتادگی منطقی 50/70، شیوه استبدادی 70/70 و شیوه آزادگری 70/70 به دست آورد. در این پژوهش برای محاسبه پایایی از آلری کروناخ استفاده کرده است که برای شیوه افتادگی منطقی 79/70، شیوه استبدادی 62/70 و شیوه آزادگری 70/70 به دست آمد.

3- پرسشنامه سیکهای فرزندپوری آدراک شده: این پرسشنامه را مکلو و مزل در سال 1998 براساس شخصه‌های سیک والدینی به‌نامید ساختند. این پرسشنامه شامل ساده‌ای از آزمون‌های پایدار بود که شامل سه گروه شش جمله‌ای برای شناسایی پاسخ‌های سپرمانی یک از سه سیک والدینی افتادگی منطقی، استبدادی و آزادگری به صورت سه پاسخ جواب‌گاهه تهیه شده است. این پژوهشگر در این پژوهش پرسشنامه را به فارسی برگرداندند.

1 – Parental Authority Questionnaire
2 – Buri
3 – Hall and Braken
4 – Perceived Parenting Style Questionnaire
مقیاس اندازه‌گیری در این آزمون، مقياس اساسي است. برای اندازه‌گیری روایی محتمالی، پرسشنامه در اخبار 15 نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی قرار گرفته که آنها در تمامی سوال‌ها نش در 80 نظرات کامل موافق و موافق داشته‌اند. همچنین طبق نظرخواهی پژوهشگران از باورمندی این پرسشنامه در زمینه سیگنال‌های فرندزپوری، از روایی صوری خویش‌پذیردار است. نتایج سنگین‌پایی این پرسشنامه به کوشش مکلون و مرول (1988)، به روش بی‌آزمایی نشان داد که 100 درصد دانش‌آموزان، نبخش یکسانی را در شکل بسته‌بافش این آزمون علاقه‌مندند. در این پژوهش برای محاسبه‌پایایی از روش بی‌آزمایی استفاده شد که نتایج تحلیل پایایی نشان داد، درصد آزمون‌دهی‌ها بخش یکسانی را در دو فاصله زمانی، علامت‌زداید.

3- مقياس مکان کنترل نوویکی - استریکلند: این مقياس را نوویکی و استریکلند (1973) براساس تعريفات رايت از مقياس کنترل درونی و بیرونی تقویت ساخته‌اند. این مقياس شامل 40 سؤال بوده و برای سنگین‌پایی مکان کنترل کودکان بین 8-18 سال مناسب است. نوویکی و استریکلند (1973) برای سنگین‌پایی روایی‌سازه درد مطالعه به همبستگی‌های معناداری (0.11 و 0.32) بین آزمون و مقياس مکان کنترل را نشان دادند. این مقياس را برودنایس، شکرکن و نجاریان (نقل از برودنایس، 1973) به فارسی برگردانده‌اند. برودنایس و همکاران (1973) مقياس مکان کنترل نوویکی - استریکلند را با مقياس مکان کنترل رايت مقایسه کرده و با استفاده از روش سنگین‌پایی‌سازه، ضربه همبستگی 0.46 را گزارش نموده‌اند. در این پژوهش با استفاده از محاسبه مقياس پایایی به روش دو نیمه کردن ضربه مقياس پایایی 0.65 و به روش سیگما کردن ضربه مقياس پایایی 0.65 به دست آمد.

4- آزمون خودبیانه نسی: این آزمون شامل 84 جمله اظهاری است و پاسخ‌های آن از 1 تا 7 نمره گذاری می‌شود. نتایج نهایی دانش‌آموزان از جمله 84 می‌شود. نوریس و هایس (1989) نقل از چتاری (1974) این آزمون را را واجد روایی صوری لازم دانستند و ضربه مقياس پایایی را به روش سیگما کردن 92 ذکر کردند.

1 - The Nowicki-Strickland Locus of Control
2 - Rotter
3 - Norris and Hynes
راضی‌آماده‌های بهداشت (۱۳۷۲) پایایی را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه نموده است.

در پژوهش نیز ضریب یا پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و به روش تخصص ۰/۸۴ به دست آمد.

روش اجرای

ابتدا یا مراجعه به مدارس، فهرست اسامی کلیه دانش‌آموزان پایه سوم راهنمانی مدرسه به‌منظور انتخاب نمونه دریافت شد و سپس به منظور مشخص کردن پرسشنامه مدارس و فرزندان، هر ۴ پرسشنامه با توجه به مشخصات قبل شده پرسشنامه‌ها، با یک عدد واحد شماره‌گذاری شد. در مرحله اول پس از انتخاب نمونه تحقیق، ابتدا مادر دانش‌آموزان برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه شیوه‌ای فرزندپروری به مدارس دعوت شدند. پس از حضور مدارسان راهنمانی‌های لازم در مورد نحوه پاسخ‌دهی به پرسشنامه ارائه شد. لازم به ذکر است که در موارد محدودی که مادران به مراجعه مراجعه نگردند، پرسشنامه به منزل آنها فرستاده شد. در مرحله دوم، ۳ پرسشنامه به ترتیب در اختیار دانش‌آموزانی که مادران آنها برای شرکت در مرحله اول دعوت شده بودند قرار گرفت تا به ترتیب شماره پرسشنامه‌ها به آنها پاسخ دهند. به‌طور کلی دریافت نهایی پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها توضیح داده شد که این پرسشنامه‌ها پاسخ صحیح - خطه ندارد و اینکه هیچ گزینه‌ای را بدون پاسخ نگذارند و دریافت تمام جملات نظر خود را دقتاً مشخص نمایند و عنوان شد که در تکمیل پرسشنامه‌ها، هیچ گونه محدودیتی از لحاظ زمانی وجود ندارد.

روش‌های تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش به کمک نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. به‌منظور توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی (از قبیل میانگین، فراوانی و انحراف معیار)، و به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش به فرآیند هر فرضیه‌ای از روش آماری خاصی استفاده کرده‌ایم. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تی‌گفت شده، برای محاسبه معادل بودن تفاوت‌ها بین میانگین‌های سکه‌های فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خودبنداره و برای بررسی رابطه بین متغیرهای سکه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و خودبنداره از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.
نتایج

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپوری مادر، مکان کنترل و خوب‌دینار به فرزند آورده شده است:

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی (میانگین احراز میانگین) از متغیرهای پژوهشی و تعداد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهشی

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>شاخص‌های آماری تعداد (n)</th>
<th>متغیر‌هایی</th>
<th>احراز میانگین</th>
<th>تعداد آزمودنی‌ها</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نگرش به شیوه‌های</td>
<td>۴۱۷/۸۸</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۶۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>فرزندپوری مادر</td>
<td>۴/۷۱</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۶۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>استبدادی</td>
<td>۴/۸۳</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۳۱</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>آزادگذاری</td>
<td>۴/۱۵</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۱۰</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>مکان کنترل فرزند</td>
<td>۴/۱۵</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۱۰</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
<tr>
<td>خوب‌دیناره</td>
<td>۴/۱۵</td>
<td>۳۸۸</td>
<td>۱۶/۱۰</td>
<td>۳۸۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

از نظر فراوانی در سطح سه‌گانه مربوط به ادراک فرزند از شیوه‌های فرزندپوری نتایج نشان داد که ۱/۶ درصد شیوه‌های فرزندپوری مادر را دارای سیگما اخراجی در نظر دارند. درصد دارای سیگما استبدادی و ۱/۴ درصد دارای سیگما آزادگذاری ادراک کردند.

جدول ۲- نتایج همبستگی بین نگرش به شیوه‌های فرزندپوری (اتحاد منطقی) استبدادی، آزادگذاری مادر با مکان کنترل و خوب‌دیناره فرزند

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>تعداد (n)</th>
<th>نگرش شیوه‌های افتخار</th>
<th>نگرش شیوه‌های استبدادی</th>
<th>آزادگذاری مادر</th>
<th>مکان کنترل فرزند</th>
<th>خوب‌دیناره</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>متغیر میانگی</td>
<td>۱/۸۸</td>
<td>۱۲۸</td>
<td>۱/۲۹۳</td>
<td>۱/۳۸۶</td>
<td>۰/۱۸۷</td>
<td>۰/۱۸۷</td>
</tr>
<tr>
<td>P</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
</tr>
<tr>
<td>X</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
<td>۰/۰۱۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>
براساس جدول ۲ بین نگرش به شيوه‌های فرزندپروری مادر (افتادار منطقی، استبادی، آزادگذاری) با مکان کنترل و خودپردازه فرزند از نظر آماری رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه ۱ و ۲ تأیید نمی‌شود.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس نگرش فرزند به شیوه‌های فرزندپروری (افتادار منطقی، استبادی، آزادگذاری) مادر

<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th>سطح F</th>
<th>منبع تغییرات مجموع درجه مانگین منیدهاظر مادر</th>
<th>نگرش به سبک بین نگرهای گروه‌ها</th>
<th>درون گروه‌ها</th>
<th>افتادار منطقی گروه‌ها</th>
<th>استبادی</th>
<th>آزادگذاری</th>
<th>کل گروه‌ها</th>
<th>درون گروه‌ها</th>
<th>کل گروه‌ها</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>افتادار منطقی</td>
<td>۰/۲۷۴</td>
<td>۱/۳۰</td>
<td>۲۲/۱۹</td>
<td>۸۸/۲۰۸۸</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۳۸۷</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
</tr>
<tr>
<td>استبادی</td>
<td>۰/۵۸۱</td>
<td>۱۹/۴۰</td>
<td>۲</td>
<td>۳۸/۷۷</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۳۸۷</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
</tr>
<tr>
<td>آزادگذاری</td>
<td>۰/۵۸۲</td>
<td>۱۲/۴۰</td>
<td>۲</td>
<td>۳۸/۴۹</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۳۸۷</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
<td>۳۸۵</td>
<td>۸۸/۳۸۷۶</td>
</tr>
</tbody>
</table>

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود در سطح F نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتادار منطقی، استبادی، آزادگذاری) با ادراک فرزند از آن شيوه‌ها از نظر آماری تفاوت معناداری (P<۰/۰۵) وجود ندارد. بنابراین فرضیه سوم مبنی بر اینکه بین نگرش به شيوه‌های فرزندپروری مادر (افتادار منطقی، استبادی، آزادگذاری) با ادراک فرزند از آن شيوه‌ها تفاوت وجود دارد، تأیید نمی‌گردد.
جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت میانگین فرندان در بین سه سطح سیکهای فرندپوری ادراک شده

<table>
<thead>
<tr>
<th>سطح</th>
<th>ف</th>
<th>مجموع مدرجات</th>
<th>مدرجات آزادگذاری</th>
<th>میانگین</th>
<th>فرندان</th>
<th>گروه</th>
<th>فرندان</th>
<th>گروه</th>
<th>فرندان</th>
<th>گروه</th>
<th>فرندان</th>
<th>گروه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۲</td>
<td>۲</td>
<td>۴۹۷/۰۰۰</td>
<td>۷/۰۰۰</td>
<td>۲/۹۸۵</td>
<td>۲/۰/۰/۰</td>
<td>۳۷/۰۰۰</td>
<td>۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۲/۰/۰/۰</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>۸</td>
<td>۶۳۷/۰۰۰</td>
<td>۷/۰۰۰</td>
<td>۵/۸۷۹</td>
<td>۱/۰/۰/۰</td>
<td>۴۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۱/۰/۰/۰</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۸</td>
<td>۸</td>
<td>۳۸۷/۰۰۰</td>
<td>۷/۰۰۰</td>
<td>۶/۸۷۸</td>
<td>۱/۰/۰/۰</td>
<td>۶۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۱/۰/۰/۰</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>۱۶</td>
<td>۴۹۷/۰۰۰</td>
<td>۷/۰۰۰</td>
<td>۳/۹۸۵</td>
<td>۲/۰/۰/۰</td>
<td>۳۸۷/۰۰۰</td>
<td>۳۵/۰/۰/۰</td>
<td>۱/۰/۰/۰</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

چنانچه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بین میانگین‌های میانگین فرندان سطوح سیکهای سیکهای فرندپوری (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) فرند تفاوت معناداری وجود دارد. (F=۲/۳۸۵, P<0/001). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌شود.
برای تحلیل و مقایسه در بین میانگین‌ها در این فرضیه از آزمون توانی شفه استفاده شد.

جدول ۵- نتایج آزمون توانی شفه بین میانگین‌های میانگین فرندان در سطوح سیکهای سیکهای فرندپوری ادراک شده فرند

<table>
<thead>
<tr>
<th>سطح سیکهای سیکهای فرندپوری</th>
<th>ادراک شده فرند</th>
<th>آزادگذاری</th>
<th>استبدادی</th>
<th>افتدار منطقی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>ادراک شده فرند</td>
<td>۲/۰/۰/۰</td>
<td>۴/۹۸۵/۰/۰</td>
<td>۳/۱۵۰/۰/۰</td>
<td>۱/۸۲۰/۰/۰</td>
</tr>
<tr>
<td>آزادگذاری</td>
<td>۳/۱۵۰/۰/۰</td>
<td>۴/۹۸۵/۰/۰</td>
<td>۳/۱۵۰/۰/۰</td>
<td>۱/۸۲۰/۰/۰</td>
</tr>
</tbody>
</table>

نتایج حاصل از اجرای آزمون شفه در جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت‌های به‌دست آمده از میانگین‌های سطوح ادراک منطقی با آزادگذاری (P<0/001, F=۲/۱۵, P<0/001) و ادراک منطقی با استبدادی (P=0/074) و سطح استبدادی با آزادگذاری (P=0/004, F=۲/۱۵) از نظر آماری معنادار است.
جدول ۶ تأتیف تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت سطوح خودپنداره فرznدنان در بین سطح فرزندپوری ادراک شده

| مجموع | دهه | مedian | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | متوسط | زاده | M
بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با فرضیه اول و دوم ضرایب همبستگی به‌دست آمده برای هر یک از سطوح مختلف نگرش به شیوه‌های فزندپوری مادر و فزندپوری مادر با مکان کنترل و خودیداره، ممکن است در مورد نگرش به سبک‌های فزندپوری مادر، با مکان کنترل و خودیداره مطالعات متعددی انجام گرفته گویند که این مطالعات با محدودیت‌های روش‌شناسی در تعیین و اندازه‌گیری رفتارها و ویژگی‌های والدین همراه بوده است (کرامی، 1989). در مجموع این تحقیقات بیان می‌کند که رفتارهای والدین و مکان کنترل و خودیداره با هم مرتبط هستند. همان‌گونه گفته شد، در بررسی این فرضیه، رابطه ممنوع‌کننده بین نگرش به سبک‌های فزندپوری مادر با مکان کنترل و خودیداره فزند مشاهده نشد. این یافته با نتایج تحقیقات جانسون (1994)، رومانو (2000، 2001، مارپیت و گارسیا، 2008، بهبود و اندرودریز، 2008)، کوینر، دانلی و لی (2007، ناحیه‌های انجام شده در این پژوهش فقط نگرش مادر نسبت به سبک‌های فزندپوری مادر سنجش قرار گرفت یعنی اینکه ابراز معرفی شده به‌روزی نسبت بین نگرش‌ها و رفتار والدین تا کل گروه که پرستاری‌ها و ابراز شیوه‌های فزندپوری می‌سنجند. نتایج نشان داد که می‌تواند در عمل باعث کننده و در نگرش‌ها تبادل و در تعلیم با فرزندانشان به‌کارهای جدید عمل نماید. (بال، ترجمه مسجدی، 1373)

تبیین دیگری که می‌توان برای پاسخ مطرح کرد، این است که ابزار به‌کار رفته در این تحقیق، فقط دور و بعد درمان رونودی به‌روزی مکان کنترل را اندازه‌گیری می‌کند و فرد را در یک بعد متفاوت در پیش‌ورزش مکان کنترل قرار می‌دهد و گرایش درونی و برونی، یا تغییر مختلف هم به شمار می‌آید. این ممکن است که افراشته گرایش به کنترل بروزی به کاهش در گرایش به کنترل درونی مقایسه‌ای انجام داده که با نظر گرفتن یک دیدگاه چند بعده در مکان کنترل که لونسون (نقل از فراهاei، 1387 مطرح کرد، سه بعد درونی بودن کنترل، افراد قدرتمنده و شانس ابعادی مجزا هستند. بیدن دلیل در بررسی این
فرضیه‌های مشابه در یکی از سطوح مختلف سیکهای فرزندپوری موجب ایجاد و پروش ابعاد متفاوتی از جهتگری کنترل درونی، شناس و افراد قرارگرفته می‌شود. لذا مسئله ابراز مکان کنترل نیز برای هرگونه اظهارت‌نظر قطعی و روش‌تر در زمینه رابطه شیوه‌های فرزندپوری مادر و مکان کنترل فرزند باید تأمل دارد.

همچنین در مورد نیاز رابطه بین شیوه‌های فرزندپوری مادر و خودبیانش باشد.

گفت در این پژوهش، آزمون خودبیانش تنست، مسائل متفاوتی نظیر جنبه‌های جسمی، اختلالات، اخلاقی، مزیت و نقص و تحلیل را به صورت کلی مورد تحقیق قرار می‌دهد. در حالتی که هر یک از این ابزار مدارک به صورت جدایی‌انگاها ارزیابی شود.

بین این‌ها مثال یک دانش‌آموز ممکن است با وجود نارضایتی از وضع جسمانی و اختلالات خود، خودبیانش تحقیل می‌دهد. داشته باشد با دیدگاهی در زمینه خانوادگی و ارتباط والد – کودک مشکل داشته باشد. اما کم‌کم به رسانه زمینه ورزش و مسابقات مدرس جهان کرده بوده. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت چون خودبیانش در این تحقیق از بعد کلی نگریسته و ارزیابی شده است، شاید رابطه ویژه آن با سیکهای فرزندپوری مادر آشکار نشده است، بنابراین برای ارائه نظر روش و قطعی در این زمینه، در این پژوهش، ادراک فرزند نیز از سیکهای فرزندپوری مادر، مورد بررسی و تفحص قرار گرفته است.

یافته‌های مرتبط به فرضیه‌های سوم پژوهش نشان داد که تفاوت میانگینی در هر یک از سطوح سه‌گانه، از نظر آماری معنادار نیست. بین دو هیچ یک از سطوح ادراک فرزند از شیوه‌های فرزندپوری با نگرش به شباهت‌های فرزندپوری (افتداز منطقی، آزادگذاری، استیفاده) میزان تفاوت معناداری وجود ندارد.

در بررسی و جستجو در رابطه با فرضیه سوم، فقط یک مورد تحقیق که به بررسی رابطه بین نگرش به شباهت‌های فرزندپوری و ادراک فرزند از آن شباهت پرداخته است، به دست آمد. کسانی که در سال‌های اخیر (1982) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین رفتار والدی و ادراک فرزندان از رفتار والدین پرداختند، نتایج این بررسی نشان داد که بین گزارش‌های والدین از رفتارشان در اندام‌گیری کنترل/ خودمراقبتی، حمایت، مشاورت) و ادراک فرزندانشان از این رفتارها تشابه شدی که وجود دارد.
تفاوت داشتن بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری از آن
شیوه‌ها، شاید بانگ‌زایی از واقعیت باشد که نگرش‌ها با باورهای مادران از اهمیت کمتری
نسبت به شیوه‌های عملی فرزندپروری آن‌ها و نیز از افراد فرزند آن‌ها از آن شیوه‌ها
برخوردار است. در این زمینه، به‌نگرش کریمی (۱۳۷۸) عمل فرزندپروری آن‌چیزی
است که مادران در حال انجام دادن آن با فرزندان خود هستند. اما نگرش فرزندپروری
اعتقاد مادر به این است که چگونه باید فرزند خود را پرورش دهد و اینکه هر چند که
بین نگرش و عمل رابطه‌ای نسبت وجود دارد، اما این رابطه به‌همه‌جوجه کامل نیست.

در رابطه با فرضیه چهارم یعنی بررسی تفاوت بین مکان کنترل فرزندان در بین
ستوی کلیکای سبک‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندپروری که تفاوت معناداری
به‌دست آمد، نتایج به‌نوعی با شیوه‌های مکلون و مرل (۱۹۹۸) موتون و مان
(۱۹۹۸) کرامین (۱۳۸۹)، دومینسپ (۱۳۷۸) هم‌اکنست است. تیبینی
که می‌تواند در مورد این یافته ارائه داد، این است که اکرچه اظهارات حاصل از ودلین
در مورد سبک‌های فرزندپروری نمی‌تواند از اندک و زیاد نامطلوب باشد، اما اظهارات حاصل از
کودکان در مورد سبک‌های فرزندپروری والدین، در مقایسه با گزارش‌های والدین از
رفتار والدینی، به‌بینی بهتر و دقت‌تری در مورد مکان کنترل فرزندان به‌دست می‌دهد
(کرامین، ۱۳۸۹). دلیل دیگری که می‌تواند در این مورد ارائه داد، این است که مطلق با
سبک‌های فرزندپروری بیشتر شده باشد، والدینی که از درجه بالایی از گرم بودن و
باستگی بودن برفوردارند و کنترل معقول را بر فرزندانشان عمل می‌کنند (والدین
افتخار منطقی)، موجب رشد مکان کنترل درونی در کودکانشان می‌شوند و در مقابل
والدینی که کنترل بالایی بر کودکانشان اعمال می‌کنند و از درجه بالایی از گرم بودن و
باستگی بودن برفوردارند (والدین مستند) موجب رشد مکان کنترل برونی در کودک
می‌شوند. در رابطه با فرضیه چهارم، یعنی بررسی تفاوت بین خوشه‌های فرزندان در بین
ستوی سبک‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندپروری که تفاوت معناداری
به‌دست آمد، نتایج بروزه با نتایج تحقیقات مکلون و مرل (۱۹۹۸)، لامورن و
همکاران (۱۹۹۱)، دوکوکس و مورر (۲۰۰۲)، دانلوب و همکاران (۲۰۰۱)، باریس و
مکلوسکی (۱۹۹۲)، چناری (۱۳۷۴)، خادمان (۱۳۷۲) هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیقات

اتریاب این شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری...
اگر پژوهش در روان‌شناسی

1. همان‌گونه که در نتایج این پژوهش مشاهده شد، بین ادراک فرزند از شیوه‌های فرزندپروری مادر با نگرش مادران نسبت به سبک‌های فرزندپروری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که این پایه‌گذاری می‌تواند والدین را به این موضوع آگاه سازد که بیش از نگرش‌ها و باورهای آنها نسبت به شیوه‌های فرزندپروری، نگاه ارتباط آنان با فرزند و هویت آنها در عمل نسبت به فرزندان خود ابزار می‌دارند، به‌طوری که می‌تواند تأثیر در آگاهی و ترغیب ویدیویی از طرف والدین به شیوه‌های فرزندپروری اصلاح شود و به‌همین دلیل دوستی و توانایی والد، کودک در شیوه‌های فرزندپروری نهایت بیشتری گردند. در این باره لازم است تحقیقات آتی به بررسی و سنجش سبک‌های فرزندپروری، نسیم‌ها از دید والدین، بکه و تصور فرزندان نیز پرداخته شود (جدول‌های 2 و 3).

2. با توجه به پایمات این تحقیق که شیوه فرزندپروری ادراک شده انتخاب منطقی در شکل گیری مکان کنترل درونی و خودپروری به‌وجود می‌آید و قوی سهم برخی دارند و از طرف دیگر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده استیفاده و آزادگذاری این منفی‌ها رابطه منفی و متعادلی دارند، لذا به والدین توصیه می‌شود با انظار گرفتن ادراک و فهم فرزندان خودشان، از سبک‌های والدین، با عملی شیوه‌های تربیتی انتخاب منطقی، موجب ایجاد مکان کنترل درونی و خودپروری به‌وجود می‌آید و قوی در اعمال شیوه‌های استیلادی و آزادگذاری خوددارایی نماید (جدول‌های 4، 6، 5، 4، 7).
مراجع
استنادیاری. غلامرضا. (۱۳۷۴)، بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلای به اختلالات رفتاری و مادران کودکان به‌حار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری
فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انتشار روانپزشکی تهران.
بال، سامیه. (۱۳۹۴)، انجام آزمون در آموزش و پرورش. ترجمه علی‌اصغر مسعودی. (۱۳۷۳)، انتشار مرکز تحقیقات نشانگه شیراز.
پرویز، سعید. (۱۳۷۴)، بررسی رابطه نگرش‌ها و شیوه‌های فرزندپروری با جایگاه مهار
و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول، پایان‌نامه کارشناسی
ارشد، دانشگاه شهد کریم اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌پزشکی
چناری، علی. (۱۳۷۳)، بررسی رابطه بین نگرش‌های تربیتی والدین و خودپیمانه فرزندان
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم تربیتی.
خادمان، ملیحه‌صالحه. (۱۳۷۲)، بررسی رابطه نگرش‌های تربیتی والدین با عزت نفس
دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم تربیتی
دلارو، علی. (۱۳۷۲)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران، انتشارات
رشد.
رضاهزاده بهارنامه، حمیدرضا. (۱۳۷۳)، بررسی رابطه خودپیمانه پسران و دختران رشد‌های
مختلف تحصیل سوم دبیرستان‌های مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی
وده تهران.
رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۰)، کنگره و نشست‌های تهران، انتشارات سهامی انتشار.
سرمدی، زهره. عباس بازرگان و الهه حجازی. (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران,
انتشارات آگاه.
شامی، سعید. (۱۳۷۴)، بهداشت روانی، انتشارات رشد.
فرنگی، محمدتقی. (۱۳۷۸)، روان‌شناسی شخصیت؛ نظریه، تحقیق، کاربرد، تهران، دانشگاه
تربیت معلم.
کریمی، پرویز. (۱۳۷۸)، روان‌شناسی شخصیت، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام
نور.
بررسی رابطه بین تکرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (افتدار منطقی، استبدادی، آزادگاری) با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانشآموزان پسر باید چهارم ابتدایی، با این نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم تربیتی.

نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نرایی (1375). روشهای تحقیق و جمع‌آوری ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران، انتشارات پدید.  


among brazilian teenagers from authoritative, indulgent, authoritarian and neglectful homes. *adolescence*, 43 (169).


